

همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان ارشاد اسلامی، سازمان شهرداری (استان کرمانشاه) مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (استان تهران) و ...))

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)

تاریخ برگزاری همایش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ شماره مقاله: ۱۲/۹۴۰۴ رده بندی کنگره: ح ۲۴/۱۰۵

راهکارهای مشترک خانواده و مربی در تنظیم رفتار

کودکان

رودابه کرمی

آموزگار دوره ی ابتدایی صحنه منطقه دینور

چکیده

تربیت یکی از ارکان مهم سعادت فرد به شمار می آید. به همین دلیل دین مبین اسلام اهمیت ویژه ای برای آن قائل است. همواره در سیر تکامل بشر، خانواده و مربی عهده دار این رسالت بوده و بیشترین تاثیر را در تنظیم یا تخریب سبک رفتاری فرزندان دارند. فرزندان امانت های الهی هستند و مانند لوحی پاک و سفید، در دامن مادر خانواده و جامعه قرار می گیرند. پس خمیر مایه آنان در دستان این دو نهاد است. تربیت یعنی رشد طبیعی و تدریجی و هماهنگ تمام نیروها و استعداد های انسانی که بالقوه در وجودش به ودیعه نهاده شده است. یافته ها نشان می دهد سیر تربیت با همراهی خانواده و محیط آموزشی، رابطه مستقیم دارد. شخصیت کودک در کانون خانواده شکل می گیرد هر چه خانواده در رفع مشکلات عاطفی و نیازهای انسانی تلاش کند و بتواند قبل از هر چیز عزت نفس و انسان بودن را به کودک بیاموزد قطعاً مهمترین گام در مسیر تنظیم رفتار برداشته شده است. وقتی این مرحله به سلامت بگذرد کودک وارد دنیای جدیدی چون مدرسه می شود. به دلیل حضور کودک در میان گروه هم سالان و الگو پذیری از مربی و دانش آموزان رده های بالاتر، به جرات می توان گفت محیط آموزشی در دنیای کنونی اهمیتی در راستای خانواده دارد. این تحقیق روش توصیفی بوده و تلاش دارد تا با استفاده از نظرات اندیشمندان عرصه ی تربیت و بهره گیری از منابع مکتوب و نرم افزارها، به نقش تاثیرگذار مربی و خانواده در تنظیم رفتار کودک بپردازد.

واژگان کلیدی: تنظیم رفتار، کودک، خانواده، مربی

مقدمه

از مفاهیم قرآنی و اصول روان شناسی چنین به دست می آید که در مراحل رشد و پرورش انسان، مناسب ترین زمان برای تربیت، بارور ساختن و شکوفایی استعدادها، هفت سال اول و دوم زندگی است. یعنی دوران کودکی (که غالباً در دامن خانواده می گذرد) و دوران نوجوانی (که تلفیقی از خانه و مدرسه و گروه هم سالان است). تنظیم رفتار کودک و نوجوان یکی از اساسی ترین مسائل جوامع اسلامی است که بحث های فراوانی دارد و شناسایی عوامل و موانع تأثیرگذار در آن از مهم ترین مسائل مربوط به حوزه ی تربیت است تنظیم رفتار کودکان کاری ظریف و دقیق است که موفقیت در آن جز با بصیرت و روشن بینی میسر نمی شود. خانواده نخستین، بهترین و موثرترین رکن اساسی پرورش کودکان شایسته است زیربنای شخصیت کودک در خانواده سرشته می شود اگر خانواده ها با اصول و روش های صحیح تربیت کودک و موانع تربیت آشنا باشند و آنها را به کار گیرند در دوره ی نوجوانی با مشکلات کمتری روبه رو خواهند شد. تلفیق و ترکیب نقش خانواده با مربی و نظام آموزشی؛ و راهکارهای مشترک آن ها در تربیت نوجوانان - با توجه به روحیه پرسشگری و جستجوگری آنان-، باید تعلیم و تربیت متناسب با روحیه و طبق اصول و روش های مناسب باشد. بنابراین هدف از ارائه این نوشتار معرفی و تبیین نقش خانواده و مربی در تنظیم رفتار نوجوان است و تلاش شده با استفاده از منابع مکتوب و نرم افزارهای تحقیقاتی، مباحثی مفید در اختیار مخاطب قرار گیرد. در این زمینه تحقیقاتی صورت گرفته از جمله « بررسی نقش خانواده و مربیان در تربیت جنسی فرزندان» اثر سارا حیدری؛ «کندوکاوی در در ارزش ها و اعتقادات مذهبی نوجوانان» نوشته ی یوسف رضا پور و «راهکارهای جذب جوانان به دین» تألیف آقای علیرضا انصاری؛ « بررسی نقش پدر و مادر به عنوان مربی و تأثیر آن بر تربیت فرزندان» نوشته ی علی فهی نیا و... با دقت در این عناوین مشخص می شود مقاله و نوشتاری که به صورت جامع نقش والدین و مربیان را تنظیم رفتار کودک بررسی کرده باشد یافت نشد و همین ضرورت پرداختن به موضوع را دو چندان کرده است.

بخش اول: مفهوم شناسی

نوجوانی به دوره‌ای میان کودکی و بزرگسالی گفته می‌شود که بسیار مهم است. چرا که تأثیرات ناگهانی و دراز مدت بر رفتار و دیدگاه او داشته و میزان تغییر در نگرش‌ها و رفتار در این دوره بسیار سریع است. پس برای درک بهتر موضوع لازم است واژه‌های مرتبط با عنوان تعریف و تبیین شود.

تربیت در لغت به معنای پرورتن، پروراندن، پرورش دادن (عمید، فرهنگ عمید، ص ۵۵۹). و آداب و اخلاق را به کسی آموختن است. (معین، فرهنگ فارسی، معین، ص ۷۴۹) راغب می‌گوید «رب» در اصل به معنای تربیت است و رب به طور مطلق بر خداوند اطلاق می‌گردد که متکفل اصلاح موجودات است. (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۳۳۶) طبق آیات قرآن بهترین و برترین مربی، خداوند است پس مربی یعنی کسی که متکفل پرورش استعدادها و رشد کمالات در انسان است.

از نظر اسلام تربیت عبارت است از: به فعلیت رساندن قوا و استعدادهای انسان و ایجاد تعادل و هماهنگی در آنها در جهت رسیدن به کمال مطلوب او یعنی قرب خدا. (امین زاده، فرهنگ تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۹ و ۱۰) در قرآن مشتقات تربیت چندین بار به کار رفته است از جمله: «وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» و بگو پروردگارا! آنان را به پاس آنکه مرا در کودکی تربیت کردن مورد رحمت قرار ده» (سوره اسرا آیه ۲۴)

تربیت در اصطلاح عبارت است از: تغییری که آدمی در نفس خویش یا دیگر مردمان ایجاد می‌کند یعنی رشد طبیعی و تدریجی و هماهنگ تمام نیروها و استعدادهای انسانی که در نهادش موجود و مکتوم است. تربیت کوششی است که هر جامعه برای تامین نظارت و تسلط خود بر فرد به عمل آورد. (باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۱۳۷)

بخش دوم: مهم ترین مصادیق تنظیم رفتار مشترک میان خانواده و مربی

تربیت صحیح کودک یکی از مسائل مهمی است که سلامت جامعه و خانواده را تضمین می‌کند خانواده در این زمینه به عنوان اولین نهاد اجتماعی نقش بسزایی دارد شخصیت شناختی و رفتاری کودک در کانون خانواده شکل گرفته و تکمیل می‌گردد والدین بعنوان بستگان درجه یک کودک نقش مهمی در

تربیت صحیح و اصولی کودک دارند و این امر مستلزم داشتن آگاهی لازم نسبت به چگونگی رفتار با اوست (امینی، تربیت، ۱۳۸۸: ص ۱۸) پدر و مادر نقش اساسی در تأمین سلامت روانی کودک دارند با داشتن ارتباط است که می‌توان به نیازهای کودکان پی‌برد و آنها را تأمین نمود کودکان با قدرت و توان یادگیری و فراگرفتن زاده می‌شوند و این استوارترین پایگاه و پایه‌ای است که هر جامعه بر آن استوار است. والدین باید بدانند متدین کردن فرزند به دست خودشان است، بنابراین اگر محیط خانواده دینی باشد و جلوه‌های معرفتی و محبتی امام تبیین شود، مسأله انتظار و ظهور را به خوبی جا بیندازند، آنگاه می‌توان گفت که نسل منتظر تربیت شده است. ما باید در تعادل با کودک خود اصولی را سرلوحه رفتار خود قرار دهیم که با رعایت و به کار بستن آنها بتوانیم کودکی تربیت کنیم که بتواند در بزرگسالی به یک انسان موفق و در عین حال معتقد تبدیل شود درد جامعه‌ی امروزی ما این است که کمتر می‌توان در میان قشر موفق، چهره‌ی دینی یافت (موسوی کاشمری، روشهای تربیت، ۱۳۸۵، ص ۲۳).

بعضی از باورها در زمینه تربیت کودکان می‌تواند بسیار مخرب بوده و باعث بروز مشکلات در روابط والدین و کودکان شود مثلاً تعدادی از والدین بعضی از رفتارهای نامناسب کودک را موقتی و زودگذر می‌دانند و اصطلاح معروف «ولشان کنید هنوز بچه است» باعث می‌شود از برخورد مناسب و به موقع باز مانند و زمانی به فکر اصلاح برآیند که آن رفتار تبدیل به خلق و خوی کودک شده است و در نتیجه کنترل آن نیز مشکل‌تر شده است. این کودک با این ناهنجاری، وارد مدرسه و محیط هم سن و سالهای خود می‌شود پدر و مادری که عاجز از کنترل بودند حالا از مربی انتظار معجزه دارند بسیاری از خانواده‌ها، آموزش بایدها و نبایدها را تنها وظیفه مدرسه می‌دانند و به تعلیم تکالیف و ظایف انسانی، شرعی و عبادی فرزند خود توجهی ندارند و به همان تعلیماتی که از طرف معلم داده می‌شود بسنده می‌کنند، تامین غذا و پوشاک فرزندان به دغدغه‌ی والدین و اولویت آنان تبدیل شده و هم و غم مادران پختن غذایی است که به رشد جسمی کودک کمک کند اما برای شناخت روحیه فرزند خود برنامه ریزی نمی‌کنند، پدران از صبح تا شب برای کسب درآمد و رفاه در زندگی مشغول کار هستند، ولی برای بازی، هم فکری، و توجه به عادت‌ها و خلق و خویهای جدید، فرصتی ندارند. (میکائیلی، بهره‌گیری از شیوه‌های رفتاردرمانی و تغییر رفتار در خانواده: ۱۳۷۸، ص ۱۲).

این شکاف میان نهاد خانواده و سطح توقع از مربی و معلم، باعث شده گاه‌ها واکنش‌هایی میان والدین و محیط آموزشی ایجاد شود. البته در برخی موارد، توقع والدین به جاست محیط آموزشی باید مستعد پروراندن کمالات و خوبی‌ها باشد اگر در مدرسه الگوهای رفتاری، نقش خود را خوب ایفا نکنند - و تصور این باشد که وظیفه‌ی من فقط آموزش و تدریس کتاب‌های درسی است - قطعاً کودک و نوجوان دچار رهایی شخصیتی و سردرگمی می‌شود. به خصوص در مواردی که خانواده آشفته و نابسامان است و نوجوان احساس می‌کند که خانواده برای او پناهگاه قابل اعتمادی نیست، به مربی و دوستان پناه می‌برد و از آنان کمک می‌طلبد. بنابراین مدرسه زمینه‌ای برای فراهم کردن جمع دوستانه و معاشرت آنان با یکدیگر است. (خاوری، نقش مربی در تعلیم و تربیت، ۱۳۹۴: ص ۱۶)

بسیاری از والدین انتظارات غیر واقع بینانه‌ای از کودک خود دارند که با سطح رشد کودک متناسب نیست تعلیم و تربیت ما اگر بر فلسفه‌ای روشن و رهایی بخش متکی باشد، کودکان، نوجوانان و جوانان این سرزمین خواهند توانست در مورد دیدگاه‌های متفاوت و در مورد معنای زندگی خود در محیط محلی، ملی و جهانی به درستی بیندیشند و مهارت‌های خود را برای زندگی پاکیزه و انسانی گسترش دهند. برای دستیابی به چنین مقصودی ما باید فهم خود را از حکمت و خرد و دانش به طور عام و فلسفه تعلیم و تربیت و روانشناسی تربیتی به طور خاص و مناسب سازی اهداف، محتوا، روش و فرایند تعلیم و تربیت با زندگی در عصر حاضر، در یک نظام فکری روشن و رهایی بخش سازماندهی کنیم؛ از این طریق برنامه‌های آموزشی (در سطح خانواده و مدرسه)، روش نوین تربیت معلم و بازنگری در شیوه‌های رفتاری و تنظیم اصول تربیتی بر اساس دین و روانشناسی کمک می‌کند تا گامی سترگ در مسیر عزت و تکامل شخصیتی دانش آموزان که فرزندان این سرزمین هستند برداریم. (مساعدی؛ نقش فلسفه تعلیم و تربیت در جهان امروز؛ ۱۳۹۹: ص ۹) مهم‌ترین کار در برطرف کردن مشکلات رفتاری کودکان؛ برقرار کردن ارتباط عاطفی با کودک است. والدین باید با موقعیت‌شناسی، با کیفیت‌ترین زمانی را که در آن حوصله ارتباط و بازی با کودک خود را دارند برای گفتگو و حل مشکل فرزند خود انتخاب کنند. مثلاً گاهی لازم است یک نکته‌ی تربیتی در حین بازی به او گوش زد شود و گاهی در یک مکان خاص یا معنوی و گاه بنا بر رعایت اصول تربیتی در حضور فردی که وجودش در تثبیت آن نکته موثرتر است. شاید این مطالب ساده به نظر بیاید اما در حل مشکلات کودکان این تکنیک

کارایی زیادی دارد. (مروجی طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، ۱۳۸۷ص ۱۰۲) در فضای آموزشی نیز حاکمیت عواطف حرف اول را می زند همه ی ما شاهد تذکرها، عصبانیت ها و حتی لحن تند مربیانی بوده ایم که سراسر دلسوزی و عاطفه بوده نه خشونت. کودک با ضمیر پاکش، تفاوت معلم و مربی دلسوز و بی تفاوت را درک می کند. گاهی در مسیر اصول و شیوه های تنظیم رفتار، لازم است سفت و سخت « نه» بگویید. و پای نه گفتن خود بایستید تا کودک تصمیمات را جدی بگیرد. این امر هم در خانواده هم محیط آموزشی بسیار مهم است. کودکان ما باید یاد بگیرند که اگرچه تمام همت خانواده و ربی، پرورش او و تلاش برای رسیدن به قله های موفقیت است اما نباید روحی خودخواه داشته باشد او باید گذشتن را یاد بگیرد گذشتن از امور کم ارزش برای رسیدن به ارزش های والاتر. او باید هنر «نه» گفتن و « نه» شنیدن را یاد بگیرد. (ناصرین، نقش خانواده و مدرسه در تربیت دانش آموزان، ۱۳۹۴:ص ۱۱).

یکی دیگر از اصول در تنظیم رفتار کودکان، تامین امنیت روانی است. امنیت روانی می تواند تحت تاثیر شغل وضعیت تحصیلی طبقه اجتماعی و سایر مسایل اجتماعی فرد باشد (سرابی و بیات، بررسی تاثیر امنیت روانی بر پیشرفت تحصیلی، ۱۳۹۹:ص ۹) گاهی میان طرزتفکر و رفتاری که والدین بر آن تاکید دارند با سبک تربیتی که مربی و نظام آموزشی بر آن استوار است؛ شکافی چشمگیر به وجود می آید. مربی به دانش آموز یاد می دهد: از خطاها گاهی باید چشم پوشی کرد، رفتار زشت نباید منجر به عکس العمل زشت تر شود، ناهنجاری نباید عادی جلوه کند و ... اما همین که دانش آموز وارد خانه و نهاد خانواده می شود با رفتاری متناقض با محیط آموزشی روبرو می شود او می بیند که پدر و مادر در زمان اختلاف عبارات زشت و اعمال نکوهیده و خشونت های منع شده را با واکنشی بدتر پاسخ می دهند فرزندان در این حالت، غالبا نمی توانند رفتاری مناسب داشته باشند و حضور آنان در محیط آموزشی، تلفیقی از همان رفتار والدین است. نوجوانان در جریان اجتماعی شدن، عواطف مختلفی از قبیل مهر، محبت، فداکاری، گذشت، حسادت، کینه و خشم و... را در کنار والدین، خواهران و برادران خود تجربه می کند اعضای خانواده به حدی به هم وابسته اند که گاهی این امور منجر به بخشیدن و گذشتن از خطای یکدیگر می شود اما خانواده باید به کودک یاد دهد که محیط آموزشی با افراد خانواده متفاوت است و قرار نیست همه از خطای او بگذرند یا روابط عاطفی، عیب و خطای فرد را بپوشاند. خانواده اولین و مهمترین محیطی

است که آن‌ها در آن از کیفیت روابط انسانی آگاهی پیدا می‌کنند و سبب می‌شود که کودک احساس ناامنی کند و دچار اضطراب شود. برای دادن امنیت روانی به کودک علاوه بر توجه و محبت کافی نیازمند ایجاد محیطی امن و آرامش بخش در خانه است (فتحی، اصول رفتار کودک، ۱۳۹۶: ص ۱۱) نتیجه این می‌شود والدین می‌توانند همزمان با داشتن رفتار مقتدرانه، دوستانه و محبت‌آمیز با فرزندان آن‌ها را قانون‌مند و مؤدب بار بیاورند و با داشتن نگرش مثبت نسبت به کودک رفتارهای مشکل‌ساز در کودک را کاهش دهند تربیت کودک خوب و با استعداد مستلزم آشنایی با اصول رفتار با کودکان است. اگر خانواده چنین بینشی را درک و در زندگی به کار گیرد محیط آموزشی و مربی نیز در مسیر تحول و تحقق اهداف آموزشی و پرورشی قطعاً موفق‌تر خواهد بود.

بخش سوم: نقش مستقل خانواده در تنظیم رفتار کودک

خانواده بهترین محیط برای تربیت کودک است ارتباط میان کودک و والدین در خانواده نیرومندترین ارتباط است. رشد کودک با پدر و مادر، بهترین وسیله‌ی تهذیب نفس و وجدانیات و اخلاق او می‌باشد لذا برای تربیت کودک باید پدران و مادران را در خانواده‌ها راهنمایی کرد و آن‌ها را نسبت به وظایفشان در قبال فرزندان آشنا نمود در تعالیم اسلامی این راهنمایی‌ها دقیقاً ارائه شده و وظایف سنگین پدر و مادر نسبت به فرزندان خود در محیط خانه تذکر داده شده، کودک امانتی است که به پدر و مادر سپرده شده است قلب او پاک، نفیس، ساده و بی‌پیرانه است. در قرآن در آیه ۶ سوره تحریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ ... ای کسانی که ایمان آورده اید (در برابر خود و خانواده تان مسئولید) ای مؤمنان! خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است، حفظ کنید»

آیه به بندگان خویش هشدار داده است که ای مومنان خویشتن و اهل خود را از آتش دور دارید فرزندان ما نیز در زمره‌ی اهل ما هستند. با فرزندت آن‌چنان رفتار کن که اثر نیکوی تربیت تو مایه‌ی زیبایی و جمال اجتماعی او باشد و یا اینکه او را چنان تربیت کن که بتواند در شئون مختلف زندگی با عزت و آبرومندی زندگی کند و مایه‌ی زیبایی جمال تو باشد. (طبرسی، مکارم اخلاق، ص ۳۳۳) الگوهای تربیت، ره توشه‌ی است برای تمامی پدران و مادران و مربیان پرورشی جامعه که در راه تربیت و بازسازی رفتار و کردار

کودکان و نوباوگان امروز و مردان فردا بکوشند. (کریمی نیا، الگوی تربیت اجتماعی، ص ۱۸). امام صادق(ع) در زمینه تعلیم احادیث اسلامی می‌فرماید: «احادیث اسلامی را فرزندان خود هرچه زودتر بیاموزید قبل از آن که مخالفان بر شما سبقت گیرند» (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۷۶)

«پدر و مادر، مهم‌ترین الگوی انسان‌ها هستند و رفتار آن‌ها با یکدیگر بر فرزندان تأثیر به سزایی دارد. باید توجه داشت که در بحث تربیتی «دو صد گفته چون نیم کردار نیست». روش الگویی در تربیت دینی فرزندان اهمیت بسیار دارد اگر فرزندان عمل کردن به آداب و وظایف دینی را از همان ابتدا در محیط خانه مشاهده کنند و با آن‌ها خو بگیرند در سنین بالاتر انجام این کارها برای آن‌ها کار بسیار طبیعی و سهل خواهد بود. کودک در سنین پایین‌تر معمولاً به رفاه، آسایش و تفریح تمایل دارد و انجام عبادت‌ها و فریضه‌ها گاهی برای او دشوار است چه بسا میل به راحتی و آسایش مانع انجام این تکالیف شود برای غلبه بر این مقاومت درونی باید از همان ابتدا نسبت به آن اعمال در فرزندان «عادت» ایجاد کرد». (سادات، راهنمای پدران و مادران، ص ۱۲۷). تربیت دینی به مفهوم فراگیر آن که به معنای آموزش و پرورش دینی است؛ می‌تواند کلیدی‌ترین نقش را در توسعه معنوی و کمال یک جامعه دینی ایفا نماید. هرگونه کاستی یا کوتاهی در این امر، موجب بروز اختلالات و ناهنجاری‌های جبران ناپذیری در پرورش نسل نوین هر جامعه می‌شود. از این‌رو، برای اصلاح جامعه و پیشگیری از انحرافات اجتماعی، لازم است، فرایند تربیت در اندیشه دینی، شناسایی شود. از آن‌جا که آغاز این امر در خانواده است (شاملی، فرایند تربیت فرزندان در اندیشه دینی، ۱۳۸۳، ص ۲)

یکی دیگر از روش‌های تربیتی، پرورش مذهبی کودک است رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «فرزندان خود را به سه خصلت تربیت کنید، محبت پیامبران و محبت خاندان و «قرائت قرآن» (مجلسی، بحارالانوار، ج ۳، ص ۲۸۱). حضرت رسول به سه دوره ی مهم زندگی هر انسانی و نقش خانواده اشاره کرده و می‌فرمایند: « الولدُ سیدُّ سبع سنین، و عبدٌ سبع سنین، و وزیرٌ سبع سنین: فرزندان در ۷ سال اول سیادت و سروری دارند (اگر والدین تمام تلاش خود را در این مرحله به کار گیرند و از افراط و تفریط دوری کنند) ۷ سال دوم فرزندی آرام و مطیع خواهند داشت (۱۴ سال سبک تربیتی صحیح باعث می‌شود) ۷ سال سوم فرزندی مطیع داشته باشیم». امیرالمومنین(ع) می‌فرماید: "يُرْخَى الصَّبِيُّ سَبْعًا وَ يُؤَدَّبُ سَبْعًا وَ يُسْتَعْدَمُ سَبْعًا: کودک در هفت سال نخست زندگی آزاد گذارده می‌شود و در هفت سال

دوم به آن ادب و تربیت آموخته می‌شود و در هفت سال سوم به خدمت گرفته می‌شود» (طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۲۳ و ۳۲۳)

پدر و مادر یکی از الگوهای اصلی کودکان به شمار می‌روند و کودکان از آن‌ها تقلید می‌کنند و اگر پدر و مادر رفتار، کردار بد داشته باشند قطعاً تأثیر آن بر کودکان نمایان می‌شود. فضای مجازی امروزه بستری برای کلیپ‌های دردناکی است که والدین برای لحظاتی مضحک، فرزندان خود را قربانی آن می‌کنند در حالی که نمی‌دانند این تصاویر چقدر می‌تواند روح و روان یک کودک را تخریب و در آینده ی او تأثیر گذار باشد (صلاحی، بزهکاری اطفال و نوجوانان، ص ۱۰۶)

بخش چهارم: نقش مدرسه و مربی در تنظیم رفتار کودک

مدرسه از مهم‌ترین ارکان تعلیم و تربیت و اثرگذارترین نهاد اجتماعی و آموزشی است که نقش بسیار مهمی در تربیت صحیح دانش‌آموزان در ابعاد دینی، اخلاقی، علمی، آموزشی، اجتماعی و کشف استعدادها و هدایت رشد متوازن روحی و معنوی و جسمانی آنان عهده دار است و در این عرصه، معلم و مربی قهرمان و الگوست. «کودک از روش کار مسئولان مدرسه نحوه اعمال انضباط آن‌ها طرز برخوردشان با شاگردان تشویق‌ها و تنبیه‌ها و قدرت جاذبه و دافعه‌ی آن‌ها تأثیر می‌پذیرد. نقش معلم در سازندگی بنای اخلاقی کودکان بسیار است کودکان بیش یا کم از معلمان خود تأثیر می‌پذیرند و بعضی از مورخین درباره علل سقوط یا انحطاط جامعه‌ای، تقصیر را متوجه مربیان و معلمان آن جامعه نموده‌اند». (شکوهی، تعلیم و تربیت و مراحل آن، ۱۳۷۳ ص ۱۱۸).

معلم بخاطر نفوذی معنوی با تمام رفتارهای الگوها و سرمشق‌هایی در اختیار شاگردان قرار می‌دهد اطفال و نوجوانان از تمام حرکات و سکنتات و حتی واژه‌هایی که معلم در خلال انجام وظیفه‌ی تعلیم از آن‌ها استفاده می‌کند به شدت تأثیر می‌پذیرد بخصوص خردسالان بیش از نوجوانان تحت تأثیر گفتار و کردار معلم قرار دارند فرصت‌ها و اوقاتی که شاگردان اعم از کودکان و نوجوانان در مدارس سپری می‌سازند بیشترین لحظات عمر آن را تشکیل می‌دهد در محیط مدرسه عمده‌ترین اوقات آن‌ها در ارتباط با معلم می‌گذرد (ساعتچی، «هشدار به والدین»، ص ۷).

وظیفه یک معلم و مربی دلسوز این است که ورای حیطه ی شغلی، با رفتار و اخلاق خود، در جان و دل فرزندان و نوباوگان اثر بگذارد و کلام و سخن او چنان بر روح آنان تأثیرگذار باشد که دگرگونشان سازد گویا که حرف اول و آخر همین است. تربیت دینی - به ویژه مهدوی- چنان با نظام آموزشی در هم تنیده است که به هیچ وجه نمی توان آن ها را از یکدیگر جدا کرد، از این رو معلمان، خواسته یا ناخواسته در کنار فعالیت های آموزشی، با رفتارهای خود در شخصیت دانش آموزان تأثیر می گذارد؛ از این رو نمی توان برای سایر معلمان، نقش تربیتی قائل نشد و نقش آنان را در آموزش خلاصه کرد (داوودی، نقش معلم در تربیت دینی، ص ۱۸۴).

بخش پنجم: نقش مشترک خانواده و مربی در تنظیم رفتار کودک

تعلیم و تربیت همواره از چالش های مهم بشر بوده و در طول تاریخ خانواده و مربی دو عنصر مهم پرورش استعدادها و رشد کمالات بوده اند در این گفتار به عواملی که با همراهی والدین و مربی منجر به تربیت و تنظیم رفتار کودک می شود پرداخته می شود.

بند اول: هدایت گری و هماهنگی در مسیر تربیت

اولین و مهم ترین گام مشترک در تفکر خانواده و مربی «هدایت و هدایتگری» است. و در این راه باید از والاترین هادی کمک گرفت خداوند هادی بالذات و هدایت کننده ی آفرینش است از این رو موسی در برابر سوال فرعون که پرسید: پروردگار تو کیست می گوید «ربنا الذی اعطی کُل شی خلقه ثم هدی» (سوره طه آیه ۲۰) پروردگار من کسی است که وجود هر موجودی را با تجهیزات مخصوص و قوا و آلات لازم به خودش آفرید پس او را بسوی هدفش هدایت کرد.

وقتی الگوی برتر خداست پس مربی و خانواده باید منش هدایت خویش را از انوار الهی کسب و به کار گیرند. خداوندی که به بنده اش فرصت می دهد و هرگز چیزی ورای طاقت و استعداد و تواناییش از او نمی طلبد. در عرضه ی رحمت و لطف، بنده ای را دریغ نمی کند و نگاه لطفش به همه یکسان است. این معلم بزرگ عالم هستی گاه تمام اسرار آفرینش را به بنده ای می آموزد و گاه به نوع انسان آنچه را نمی داند و به آن نیاز دارد از طریق تکوین و تشریع تعلیم می دهد با اینکه قادر است به بنده قدرت تکلم

ناگهانی ببخشد اما به گونه ای خلق و هدایت کرده که انسان از یک حرف و دو حرف شروع به سخن کند و کم کم به قدرت نطق دست یابد. یکی از بزرگترین اوصاف او تعلیم دادن بندگان است که وسیله ی شناخت و معرفت و هدایت می شود (فرجی، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۳۵)

تفکر در این سبک بنده پروری، به خانواده و مربی کمک می کند تا هرگز از هدایت کودک و نیل او به سوی کمال ناامید نشده و محبت خود را از او دریغ نکنند.

کودکان از همان کودکی باید حفظ و تفکر و تدبیر در معانی قرآن را آموزش یابند تا در قلب آن ها اثر کند و کم کم به مقام متقین برسند و اگر توفیق الهی شامل حالشان شود از آن مقام نیز بگذرند و هر یک از اعضا و جوارح و قوای آن آیه ای از آیات الهیه شود کودک در همان کودکی قرآن تلاوت کند قرآن در گوشت و خون او وارد می شود به طوری باطن انسان کلام الله مجید و قرآن حمید گردد این مرحله ی مهم از امور مشترک خانواده و مربی است(خمینی، تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی، ص ۹۱)

از امام موسی بن جعفر(علیه السلام) چنین نقل شده است «جاء رجل إلى النبی(ص) فقال: یا رسول الله ما حق ابنی هذا؟ قال: تَحَسَّنَ إِسْمُهُ و أدبه وضعه موضعا حسنا» مردی خدمت رسول خدا آمد و عرض کرد این فرزندم بر من چه حقی دارد؟ فرمودند: حق کودک بر تو این است که نام نیکو براو نهی و او را نیکو ادب کنی و او را در محیط نیکو قرار بدهی»(حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص)

اسلام مقرر می دارد که برای تربیت و پرورش در جهت شکوفایی استعدادها و جلوگیری از هدر رفتن توانایی شان بایستی محیط سالم و مساعد به وجود آید تا هر کس به تناسب ظرفیت و گنجایش روحی خود بتواند به کمال مطلوب خویش دست یابد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیتة ... الرجل راع علی اهل بیته ... فالمرئۃ راعیة علی اهل بیت بعلمها و ولده : همه شما نسبت به زیر دست خود مسئول هستید. مرد، مسئول خانواده اش، زن مسئول شوهر و فرزندش است...»(دانشنامه اسلامی، تفسیر آیه ۶ سوره تحریم) اینکه خانواده فرزند خود را رها کند و منتظر باشد که مربی و محیط آموزشی او را اصلاح کند، انتظاری بیجاست.

به همین دلیل یکی از راهکارهای مشترک والدین و مربی، هماهنگی آنان در مسیر تربیت است. یکی از عوامل مؤثر در تربیت «اصل هماهنگی» است ارتباط میان اولیاء و مربیان به طور ذاتی امری مقدس و مبارک است و ارتباط میان خانه و مدرسه عبارت‌اند از: اصل اعتقاد به ارتباط؛ با کمال تأسف برخی از والدین نگاهی بسیار غلط به امر تربیت دارند آنها فقط هنگام ثبت نام در مدرسه حضور پیدا می‌کنند و به این که در طول سال تحصیلی به مدرسه بیایند و اموال فرزندان را بپرسند اعتقاد ندارند ثابت شده والدینی که ارتباط مستمر با مدرسه داشتند فرزند آن‌ها موفق‌تر بوده‌اند. (ملکی، «موانع اجتماعی تربیت کودک از نظر اسلام»، ص ۵۸)

بند دوم: تکریم شخصیت کودک از طرف مربی و والدین

کودکان هر جامعه مردان و زنان آینده و سازنده ی جامعه ی فردا هستند. آسیب هایی که بر روح آنان وارد می شود، تاثیر مستقیمی بر سرنوشت اجتماع خواهد داشت. احترام گذاشتن به کودکان و تقویت حس عزت نفس در ایشان از جمله ی مهم ترین عواملی است که در سلامت روح و جسم آنان دخالت می کند. از جمله شیوه هایی که در جهت تربیت فرزندان کارآیی فراوانی دارد، شخصیت بخشی به آنها از طریق تکریم و بزرگداشت شخصیت ایشان است. تحقیر و خردکردن شخصیت کودک به بهانه بازداشتن وی از خطا، نه تنها مفید نیست، بلکه نتایج سوء تربیتی نیز به همراه داشته و وی را در خدعه و نیرنگ کسانی که دامی از محبت دروغین در مقابل وی گسترانیده اند، گرفتار میکند (حسینی، تکریم و احترام گذاشتن به کودک، ۱۳۹۹، ص ۳)

کرامت شخصیت فرد و یا افراد مورد تربیت از سوی مربی، دارای سه اثر گرانبه‌است:

- ۱- اعتماد به نفس را برانگیخته و تقویت می کند و باعث می شود شخص، به ارزش وجودی خویش واقف گردد که سنگ اول بنای تربیت است.

- ۲- اعتماد شخص به مربی بیشتر شده و باور می کند که معلم و مربی دلسوز او و خواهان سعادت و عاقبت بخیری اوست. در نتیجه داده های تربیتی او را با علاقه مندی و اشتیاق می پذیرد.

۳- بارور کردن مراحل کمال و رشد اعتقادی با عنصر تشویق و تنبیه به جا به گونه ای که منجر به شخصیت آفرینی و احترام هم گروه و هم سالان شود. موسوی کاشمیری، تکریم شخصیت، ۱۳۷۷، ص (۱۰)

کرامت از منظر تربیتی به معنای پاکی و نزاهت از پستی و فرومایگی و برخورداری از اعتلای روحی است. پروردگار و مربی جهانیان در جای جای قرآن، با عباراتی چون یا ایها الناس، یا ایها الذین آمنوا، یا بنی آدم ... از ما یاد می کند و تنها در یک مورد خطاب «یا ایها الکافرون» استفاده کرده است.

این الگوی تربیتی که از سوی والاترین مربی جهان هستی برای ما ارائه شده بهترین درس تربیتی برای خانواده و مربی است. گاهی والدین به مدرسه و محیط آموزشی فراخوانده می شوند تا معلم و مربی او را در جریان روند آموزشی و کاستی های فرزند قرار دهد و بسیار دیده شده که پدر و مادر با کتک و تحقیر کودک در جمع کادر مدرسه و گروه هم سالان، شخصیت او را تخریب کرده اند.

تحقیر کودک و مقایسه ی او با افراد پست و حقیر، از او شخصیتی متزلزل می سازد که باید هم از سوی خانواده هم مربی، مورد توجه قرار گیرد. وقتی نوجوان احساس ارزشمندی کند، در ارتباط متقابل، به درک جایگاه خود و رعایت مقررات می رسد. در واقع احیای شخصیت نوجوان و کرامت نفس او، عامل اصلی در جذب و پرورش دینی وی است (محمدی، بیست اصل در تربیت، ص ۶۶)

بند سوم: تربیت همراه با محبت

اولین و مهمترین ویژگی که برای دست اندرکاران حوزه ی تعلیم و تربیت، پوشیده نیست اعجاز محبت و نقش موثر آن در تربیت است. به جرئت می توان گفت عالی ترین روش تربیت، استفاده از نیروی عظیم محبت است. کودک به محبت و روابط عاطفی نیازمند است. چنانچه مرحوم فلسفی می گوید: «احساسات کودک قبل از عقل او ظهور می کند و بهره برداری از سرمایه های عاطفی بسیار زودتر از ذخایر عقل او شروع می شود». (فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، ۱۳۹۰، ص ۴۷۸)

نقش تربیتی محبت در قرآن از دو بعد اهمیت دارد: ۱- محبت مربی نسبت به فرد (اگر مربی بخواهد در مسیر تربیت بیشترین تاثیر را در مربی ایجاد کند باید از محبت استفاده کند. اگر محبت در دل و جان

هر کلام و رفتار جاری باشد، کودک نیز این چشمه ی زلال را کشف کرده و بدون ترس وارد این عرصه ی تطهیر و تهذیب می شود) ۲- کودک و تربیت پذیر نیز باید با عشق و محبت، واژه ها و کلام مربی را بپذیرد و باور داشته باشد که او مشفق و راهنمایی داسوز است. (کرمی، بررسی شیوه تربیتی محبت از منظر آموزه های قرآن و نهج البلاغه، ۱۳۹۶، ص ۶).

امام علی علیه السلام به تمام مربیان سفارش می کند که حتی با کسی که مقابل توست، نرم خو و مهربان باش چون ناگزیر این محبت، در او اثر می کند چنانکه قطره در سنگ، و چه زیبا این کلام شیرین را به فرزند خویش می آموزد و می فرماید: «و لن لمن غالظک فانه یوشک ان یلین لک و خذ علی عدوک بالفضل فانه احلی الظفرین؛ با کسی که نسبت به تو بدرفتاری می کند خوش رفتاری کن، زیرا او هم به زودی نسبت به تو نرم خواهد شد. نسبت به دشمن خود محبت کن که همین لطف، گام اول پیروزی است.» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

البته استفاده از قهر و غضب در مسیر تربیت نیز ضروری است چنانکه حضرت حق تعالی بر بندگان هم باب رحمت است و هم غضب.

بند چهارم: مشارکت کودک در روند آموزش و تربیت

خانواده و مربی نباید از کودک یک موجود منفعل و «بله چشم گو» بسازند. مهم ترین خصیصه ی کودک، پرسشگری است اگر سوال را از کودک در حال تربیت بگیرید به همان سرعت روح استدلال، تحقیق، مطالبه گری و چرایی امور را در او خاموش کرده اید.

بگذاریم کودک در مسیر تربیت، هم مشارکت داشته و هم فعال باشد. آنچه با پرسشگری به دست می آید دیر تر فراموش می شود. مثلاً کودکی که مسئول حفظ و نگهداری از وسایل شخصی خود است با کودکی که پدر و مادر تک تک وسایل او را جمع آوری می کنند روند تربیتی یکسان نخواهند داشت.

آموزش مسئولیت ها و ارائه آن به کودک به عنوان مجری و مسئول، خلاقیت، استعداد، بایدها و نبایدها را در عمل به او آموخته ایم. البته در این مسیر باید نیاز سنی و توانایی هر کودک را سنجید و از مقایسه کردن با گروه هم سالان پرهیز کرد چرا که توانایی همه در یک سطح نیست

انتظار ما از کودکان، و مقایسه ی او با الگوش باید در یک راستا باشد. فرزند شما در هر سنی نیازها و توانایی های خاص خود را دارد و این نیازها با توجه به جنسیت هم تغییر می کند. والدین و مربیان باید بر این امر واقف باشند و هر برنامه تربیتی را به اقتضا سن ف جنس و توانایی متربی، اجرا و از او انتظار داشته باشند. اینکه ما انتظار رفتاری - که غالباً در دوران نوجوانی نمود دارد- در سن کودکی از فرزندمان داشته باشیم این تقابل انتظارات با مقتضیات، ما را در آینده دچار مشکل می کند. (ملکی، موانع تربیت اجتماعی، ۱۳۹۵، ص ۴۷).

بند پنجم: پرورش بعد اجتماعی کودک

یکی از کارکردهای عمومی آموزش و پرورش در خانواده و مدرسه، توجه به پرورش بُعد اجتماعی کودک است. متأسفانه بسیار دیده و شنیده می شود که والدین و مربیان، دانش آموزی که ساکت، گوشه گیر و غیر فعال در همکاری هاست؛ به صرف سکوت و مودب بودنش، او را دانش آموزی خوب معرفی می کنند. اگر چه خوبی دارد اما باید او را وارد جامعه ی کوچک کرد تا در آینده بتواند در جامعه ی بزرگتر نقشی پررنگ تر داشته باشد.

مفاهیم عمده تربیت اجتماعی همچون: خودکفایی، استقلال، همکاری، نوع دوستی، هویت جویی، مسئولیت پذیری و ده ها مولفه تربیتی دیگر که به نوعی شخصیت اجتماعی کودکان را شکل می دهد همگی با بُعد اجتماعی انسان در ارتباط هستند در گام اول وظیفه ی والدین است که زیر ساخت ها را مهیا کنند در گام دوم، مربی و محیط آموزشی محل تحقق این مهم است.

مربی و کسی که می خواهد مردم را به بصیرت دعوت کند خود باید بصیر باشد کسی که می خواهد مردم را اصلاح کند خود باید صالح باشد و کسی که می خواهد انسان را متحول به خیر کند خود باید خیر را تحقق دهد. (برومند، گفت و گوهای قرآنی، ص ۴۸۳ و ص ۴۸۴).

یکی دیگر از عرصه های تبلور تربیت اجتماعی کودک، آموزش و مشارکت او در مراسمات و تعالیمات دینی و مذهبی است یکی از عواملی که در مقبولیت مربی نزد مخاطب نقش بسزایی دارد، آسان سازی مفاهیم دینی است، که باید به شکلی برای مخاطب ارائه شود که انجام شدنی، قابل قبول و قابل فهم و

درک باشد؛ چون هدف از انتقال مفاهیم دینی، ایجاد شوق و رغبت در مخاطب برای پذیرش آن ها است نه صرف انتقال (تقوی و همکاران، اصول و روش های ارائه مفاهیم دینی، ص ۶۵).

و در پایان از آنچه گفته شد **هماهنگی میان علم و عمل و گفتار** کردار است والدین و مربیان زمانی می توانند کودک را به سمت یک رفتار سوق دهند که خود عامل بدان خصیصه باشند و در عمل به کار گیرند.

نتیجه گیری

از آنچه گفته شد چنین بدست می آید که دو عامل خانواده و محیط، بالاترین تاثیر را در روند تربیت و تنظیم رفتار کودک دارند هر چقدر برنامه های این دو نهاد در یک راستا و در جهت تکامل باشد، موفقیت کودک بیشتر و اثرپذیری عمیق تر است.

تنظیم برخی ویژگی های رفتاری باید در خانواده بنیان نهاده شود و اگر خانواده در پرورش عاطفی، مذهبی و عقلانی کودک را به حال خود رها کرده باشد در ورود به محیط آموزش کار برای مربی سخت می شود به عبارتی سنگ بنای عواطف انسانی، علایق مذهبی و الگو پذیری باید ابتدا از بطن خانواده آغاز شود.

وقتی امور فوق در خانه پی ریزی شد مربی در محیط آموزشی می تواند نظم، همکاری، نوع دوستی، مسئولیت پذیری و بسیاری از شاخصه های اجتماعی انسان را به کودک بیاموزد .

بنابراین برخی شیوه های رفتاری در خانواده و برخی در محیط آموزش بهتر نمود پیدا می کند اما ابعاد رفتاری دیگری نیز هستند که با مشارکت خانواده و مربیان به هدف نهایی نائل می شود از جمله: هدایت گری، تکریم شخصیت، مشارکت و همراهی.

منابع و مأخذ:

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

- ۱- اکرمی، زکيه، «بررسی شیوه تربیتی محبت از منظر آموزه‌های قرآن و نهج البلاغه»، چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی، ۱۳۹۶.
- ۲- امین زاده، محمد رضا، فرهنگ تعلیم و تربیت اسلامی، قم: در راه حق، چاپ اول، ۱۳۷۶ ه.ش.
- ۳- امینی، ابراهیم، تربیت، قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۱ ه.ش.
- ۴- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: مدرسه، چاپ اول، ۱۳۷۴ ه.ش.
- ۵- برومند، مهدی، گفت‌وگوهای قرآنی، مجله: گلستان قرآن، آبان ۱۳۸۳ - شماره ۱۸۵.
- ۶- بیات، مریم، «بررسی تاثیر امنیت روانی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی در خانواده»، پنجمین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، ۱۳۹۹.
- ۷- سادات، محمدعلی، راهنمایی پدران و مادران، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷ ه.ش.
- ۸- شاملی، عباسعلی، «فرایند تربیت فرزندان در اندیشه دینی»، نشریه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۴، ۱۳۸۳.
- ۹- شکوهی یکتا، محسن، مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۳ ه.ش.



۱۰- شکوهی، غلام حسین، **تعلیم و تربیت و مراحل آن**، نشر، مشهد: آستان قدس رضوی، شرکت به‌نشر، ۱۳۷۸.

۱۱- حسینی، باقر، «**تکریم شخصیت و احترام گذاشتن به کودک**»، دومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی، ۱۳۹۹.

۱۲- خاوری، ابوزر، «**نقش مربی تربیتی در تعلیم و تربیت امروز**»، سومین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی، ۱۳۹۴.

۱۳- صادق‌زاده، علی رضا و محمد علی، حاجی ده‌آبادی، **آسیب اجتماعی**، ناشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰ ه.ش.

۱۴- صلاحی، جاوید، **بزهکاری اطفال و نوجوانان**، نشر، تهران: میزان، ۱۳۸۷.

۱۵- طبرسی، حسن بن فضل. **مکارم الاخلاق**، ناشر: الشریف الرضی - قم. سال نشر: ۱۳۷۰ ه.ش.

۱۶- عمید، حسن، **فرهنگ عمید**، تهران: امیرکبیر، چاپ بیست و ششم، ۱۳۸۲ ه.ش.

۱۷- فتحی، محمدرضا، **اصول رفتار کودک**، تهران، نشر گل واژه، ۱۳۹۳ ه.ش.

۱۸- فرجی، فاطمه، **تعلیم و تربیت در اسلام**، پایان نامه منتشر نشده، مدرسه علمیه الزهرا (سلام الله علیها)، ۱۳۹۰ ه.ش.

۱۹- کریمی نیا، محمدعلی، **الگوی تربیت اجتماعی**، قم: نشر پیام مهدی، ۱۳۷۴ ه.ش.

۲۰- گریوانی، مسلم، **خدایی در این نزدیکی است**، قم: ضریح آفتاب، ۱۳۹۰ ه.ش.

مساعدی، زهرا، «**نقش فلسفه تعلیم و تربیت در جهان امروز**»، اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی، ۱۳۹۹.

۲۱- مروجی طبسی، محمد جواد، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ هفدهم، ۱۳۹۰ ه.ش.

۲۲- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران: دبیر، چاپ اول، ۱۳۸۲ ه.ش.

۲۳- ملکی، مژگان، موانع اجتماعی تربیت کودک از نظر اسلام، پایان نامه منتشر نشده، مدرسه علمیه الزهراء (سلام الله علیها)، ۱۳۹۵ ه.ش.

۲۴- موسوی کاشمری، مهدی، روش‌های تربیت، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۷۹ ه.ش.

۲۵- میکائیلی، فرزانه، «بهره گیری از شیوه های رفتار درمانی»، نشریه پیوند، شماره ۲۴۳، ۱۳۷۸.

۲۶- ناصرین، الهام، «نقش خانواده و مدرسه در تربیت دانش آموزان»، همایش ملی روان شناسی و علوم انسانی، ۱۳۹۴.

منابع عربی

۱- راغب اصفهانی، معین، مفردات الفاظ قرآن، قم: ذوی القربی، ۱۴۳۲ ق.

۲- حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: آل بیت علیه السلام، بی تا.

۳- نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، باب اول به معروف، حدیث ۱۹.

